



3

Vol. 10
Autumn 2025

Research Paper

Received:
2025/02/16
Revised:
2025/07/20
Accepted:
2025/08/19
Published:
2025/09/23
P.P: 111-134

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

Comparison of the effectiveness of the presidential and parliamentary structure in the political development of Iran after the Islamic revolution

Mohammad Mehdi Niyazmand matloobi ^{1*} | Reza Simbar ²

Abstract

In the realm of political structure, the Islamic Republic of Iran has experienced a parliamentary system. Prior to the constitutional revision in 1989, the country was governed based on a parliamentary structure. However, in recent years, some experts believe that the current presidential structure does not adequately meet the country's requirements and does not facilitate constructive interaction between the branches of government in a desirable manner. Furthermore, a group believes that this change (from presidential to parliamentary) should only occur when the country has a truly capable party system; otherwise, changing the system from presidential to parliamentary will not solve any problems. Therefore, the prominent distinguishing feature of the political structure of the presidential and parliamentary systems lies in how the head of the executive branch is chosen. The present research, while examining the main roots of raising such an issue in Iran, explains parliamentary, presidential, and semi-presidential systems, as well as the position and characteristics of each in the country's governance structure. This research has been conducted using an analytical-descriptive method and utilizing the views of experts and related specialists. The main research question is: What role do presidential and parliamentary structures play in the political development of the Islamic Republic of Iran? The research findings show that the establishment of either presidential or parliamentary systems in the country can have positive and negative consequences. However, considering the examination of the requirements and criticisms made (including the absence of disciplined parties, the necessity of constitutional reform, and the risk of weakening the republic), any change in the country's political structure requires careful attention to political, cultural, and social requirements in order to improve the efficiency of the system while addressing current problems and obstacles.

Keywords: Presidential-parliamentary structure, political development, Islamic Revolution, Parties.

1. Corresponding Author: Ph.D. student, Political Science (Iranian Issues), South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: mohsenmatloobe13@gmail.com
2. Professor of Political Science Department, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: rezasimbar@hotmail.com

Cite this Paper: Niyazmand Matloobi, M; Simbar, R (2025). Comparison of the effectiveness of the presidential and parliamentary structure in the political development of Iran after the Islamic revolution. *State Studies of Contemporary Iran*, 3(10), 111–134.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

مقایسه کارآمدی ساختار ریاستی و پارلمانی در توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی

محمد مهدی نیازمند مطلوبی^{۱*} | رضا سیمبر^۲

۳

دوره دهم
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

صص: ۱۳۴-۱۱۱

شابا چاپی: ۹۷۸۳-۱۹۱۴

الکترونیکی: ۹۷۸۳-۱۴۵۰



چکیده

جمهوری اسلامی ایران در حوزه ساختار سیاسی، تجربه نظام پارلمانی را از سر گذرانده است. پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اداره کشور بر پایه ساختار پارلمانی صورت می‌گرفت. اما در سال‌های اخیر، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که ساختار ریاستی کنونی، پاسخگوی مقتضیات کشور نیست و تعامل سازنده بین قوا را به نحو مطلوب میسر نمی‌سازد. افزون بر این، گروهی بر این اعتقادند که این تغییر (از ریاستی به پارلمانی) زمانی باید صورت پذیرد که کشور دارای نظام حزبی توانمند به معنای واقعی کلمه باشد، در غیر این صورت، تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی، گرهی از مشکلات نخواهد گشود. از این رو، وجه تمایز برجسته ساختار سیاسی نظام ریاستی و پارلمانی، در چگونگی انتخاب رئیس قوه مجریه نهفته است. پژوهش حاضر، ضمن بررسی ریشه‌های اصلی طرح چنین موضوعی در ایران، به تبیین نظام‌های پارلمانی، ریاستی و نیمه‌ریاستی و نیز جایگاه و ویژگی‌های هر یک در ساختار حاکمیتی کشور می‌پردازد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از دیدگاه‌های خبرگان و کارشناسان مرتبط انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که ساختارهای ریاستی و پارلمانی چه نقشی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استقرار هر یک از نظام‌های ریاستی یا پارلمانی در کشور، می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی به همراه داشته باشد. با این حال، با توجه به بررسی ملزومات و انتقادات وارد شده (از جمله عدم وجود احزاب منضبط، ضرورت اصلاح قانون اساسی و خطر تضعیف جمهوریت)، هرگونه تغییر در ساختار سیاسی کشور، مستلزم توجه دقیق به مقتضیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است تا ضمن رفع مشکلات و موانع کنونی، کارآمدی نظام ارتقا یابد.

کلیدواژه‌ها: ساختار ریاستی - پارلمانی، توسعه سیاسی، انقلاب اسلامی، احزاب.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران.

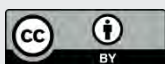
Email: mohsenmatloobe13@gmail.com

۲. استاد، علوم سیاسی روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران..

Email: rezasimbar@hotmail.com

استناد: نیازمند مطلوبی، محمد مهدی؛ سیمبر، رضا؛ (۱۴۰۴). مقایسه کارآمدی ساختار ریاستی و پارلمانی در توسعه سیاسی ایران بعد

از انقلاب اسلامی، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۳(۱۰)، ۱۱۱-۱۳۴.



مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی مطلوب، به مثابه عاملی ساختاری، در ارتقای اقتدار سیاسی کشور، اهمیتی بسزا دارد. ویژگی های حکمرانی خوب عبارتند از: مشارکت، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف پذیری، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد. (جهانگیری و همکار، ۱۴۰۰: ۱۲۳) این مهم، مستلزم ایجاد بستری برای ارتقای توانمندی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مشارکت جویی فعالان گوناگون است. ساماندهی کنش های اجتماعی نیز می تواند شالوده ای برای حکمرانی شایسته در کشورهایی باشد که در مسیر نوسازی و توسعه گام برمی دارند. غایت آنکه، قاعده مندی و پاسخگویی کارگزاران، از ارکان بنیادین در شکل گیری ساختاری منسجم و تحقق اقتدار سیاسی پایدار به شمار می آید. مدیریت سیاسی قانون مدارانه و مبتنی بر نهادهای اجتماعی، بهره گیری از ظرفیت نیروهای اجتماعی در فرآیند سیاست گذاری عمومی و پاسخگویی به خواسته های گروه های اجتماعی، از شاخصه های حکمرانی مطلوب است. همچنین، مسئولیت پذیری در قبال عملکرد اجرایی، وجهی دیگر از این مفهوم کلیدی است. از سوی دیگر، بازآفرینی ارزش های سیاسی از طریق فرهنگ سازی، قانون گذاری و شفافیت در رویه های اداری، ارتقای بهره وری در قالب درست کرداری، تعهد و خدمات رسانی، و نیز برقراری عدالت در تعاملات میان شهروندان، گروه های مدنی و احزاب سیاسی رقیب، از دیگر مولفه های اساسی این نظام حکمرانی قلمداد می شود. در عرصه حکومت داری، دو عنصر از جایگاهی والا برخوردارند: (۱) کارآمدی و (۲) توسعه سیاسی. در چهار دهه اخیر، به ویژه پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، نظام نیمه ریاستی-پارلمانی جمهوری اسلامی ایران، همچون سایر ساختارهای حکومتی رایج در جهان، نقاط قوت و ضعف خود را نمایان ساخته است. پیوسته، روسای جمهور در ایران از محدودیت های اختیارات خود شکوه کرده و خواستار افزایش آن بوده اند. پاره ای از صاحب نظران بر این باورند که نظارت و اجرای قانون اساسی توسط مقامی که از اختیارات کافی برخوردار نیست (رئیس جمهور)، نوعی مسامحه حقوقی است؛ حال آنکه برخی دیگر، این وضعیت را پارادوکسی آشکار تلقی می کنند. شایان ذکر است که نظام های سیاسی، بر مبنای تقسیم کار کردها میان قوای حاکمه، در سه قالب اصلی دسته بندی می شوند: (۱) اختلاط قوا، که در آن دو قوه مجریه و مقننه در

یکدیگر ادغام می‌شوند؛ ۲) تفکیک قوا (نظام‌های ریاستی)، که در آن هر یک از دو قوه، بخشی از مسئولیت‌های حکومتی را بر عهده دارند. با مذاقه در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنین برمی‌آید که رئیس‌جمهور در جایگاه نخست‌وزیر ایفای نقش می‌کند. اما از سوی دیگر، انتخاب رئیس‌جمهور از طریق آرای مستقیم مردم، تصویری دیگر از منزلت وی به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور ایجاد می‌نماید. اکنون باید دید کدام یک از ساختارهای حکمرانی (ریاستی یا پارلمانی) می‌تواند زمینه را برای کارآمدی و به تبع آن، توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد. پرسش اصلی پژوهش این است که نقش ساختارهای ریاستی و پارلمانی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در راستای پرسش اصلی، سوالات فرعی مطرح می‌شوند:

- چه موانعی بر سر راه کارآمدی ساختارهای ریاستی و پارلمانی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی وجود دارد؟ - ساختار سیاسی کنونی با چه چالش‌هایی در مسیر تحقق توسعه سیاسی مواجه است؟ - کدام ساختار در نیل به توسعه سیاسی، کارآمدتر است؟ بر این اساس فرضیه‌های پژوهش، بر اساس پرسش‌های مطروحه، عبارتند از: - ساختار ریاستی از طریق تثبیت دولت و امکان تفویض اختیارات بیشتر به رئیس‌جمهور، و همچنین کاهش مسئولیت‌پذیری در قبال قوه مقننه، و ساختار پارلمانی با بهره‌گیری از مزایایی چون افزایش هماهنگی میان قوای مجریه و مقننه، جلوگیری از استبداد رای قوه مجریه، نظارت دقیق‌تر بر عملکرد قوه مجریه، ارتقای پاسخگویی و تقویت ابتکار عمل در قانون‌گذاری، هر یک تلاش می‌کنند تا در تحقق توسعه سیاسی نقش ایفا نمایند. - فقدان نظام حزبی قانونمند در ایران، از جمله موانع اصلی در مسیر کارآمدی ساختارهای ریاستی و پارلمانی در عرصه توسعه سیاسی به‌شمار می‌رود. - ساختار سیاسی حاکم بر ایران (نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی) در تحقق شاخص‌های توسعه سیاسی (ثبات و تعادل سیاسی، مشارکت مردمی، تفکیک ساختاری و حاکمیت قانون) با چالش‌هایی از قبیل: - وجود رویکردهای متعارض میان قوای مجریه و مقننه نسبت به مسائل کلان کشور در مقاطع گوناگون. - قانون‌گریزی قوه مجریه با استناد به توجیحات متفاوت. - ابهام در مرزهای میان حوزه‌های قانون‌گذاری و اجرا در کشور، روبه‌رو است. - ساختار نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی از طریق ایجاد توازن میان قوای مقننه و مجریه و ممانعت از خودکامگی مقامات سیاسی و انحصار قدرت توسط ایشان، اصل تفکیک قوا را به رسمیت می‌شناسد. با عنایت به مطالب پیش گفته، مقاله حاضر در پی تبیین و تحلیل

ویژگی‌های نظام‌های ریاستی، پارلمانی و نیمه‌ریاستی است و در صدد است تا به بررسی تطبیقی نقش ساختارهای ریاستی و پارلمانی در توسعه سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

نقش احزاب در ساختار سیاسی

موریس دوروزه معتقد است که دو خاستگاه متمایز برای شکل‌گیری احزاب سیاسی در غرب وجود دارد: یا از درون مجلس مقننه سر برآورده‌اند یا در خارج از آن شکل گرفته‌اند. بر این اساس، احزاب را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: احزاب پارلمانی و احزاب خارج از پارلمان. از دیدگاه دوروزه، احزاب پارلمانی پس از استقرار نظام‌های دموکراتیک در غرب پدید آمدند و ریشه در همگانی شدن حق رأی دارند. گروه‌های پارلمانی، به زعم دوروزه، هسته اصلی و مرکزی نخستین احزاب سیاسی در قرن نوزدهم را تشکیل می‌دادند (ایوبی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). این گروه‌ها در ابتدا بیشتر خصلت منطقه‌ای داشتند و نمایندگان استان‌ها یا مناطق خاص را گرد هم می‌آوردند. به تدریج، این گروه‌ها جنبه سیاسی به خود گرفتند و نمایندگان با دیدگاه‌های سیاسی مشترک در قالب آن‌ها سازمان یافتند. دومین عامل شکل‌گیری احزاب سیاسی از نظر دوروزه، تشکیل کمیته‌های انتخاباتی بود. این کمیته‌ها در پی همگانی شدن حق رأی ایجاد شدند و هدف اصلی‌شان، انجام تبلیغات برای نامزدهای انتخاباتی بود. در ابتدا، این کمیته‌ها که مسئولیت ستاد انتخاباتی نامزدها را بر عهده داشتند، تنها در ایام انتخابات فعال بودند و پس از آن منحل می‌شدند. با پیچیده‌تر شدن تبلیغات، نمایندگان دریافتند که گسترش حق رأی، مستلزم برقراری ارتباط مستمر با حوزه‌های انتخابیه است تا بتوانند در دوره‌های بعدی نیز موقعیت خود را حفظ کنند (ایوبی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). دوروزه معتقد است که نخستین احزاب سیاسی، حاصل ادغام کمیته‌های انتخاباتی و گروه‌های پارلمانی بوده‌اند. این ادغام در دو جهت عمودی (کمیته‌ها و گروه‌های پارلمانی) و افقی (بین کمیته‌های هم‌سو) صورت گرفت و به پیدایش نخستین احزاب سیاسی در اروپا انجامید. بنابراین، به نظر دوروزه و محققانی چون دونکن، تبدیل کمیته‌های موقت به کمیته‌های دائمی، گامی اساسی در جهت فراهم آوردن بستر مناسب برای ظهور احزاب سیاسی بود (ایوبی، ۱۳۸۲:

۱۰۴). لوسین پای، توسعه سیاسی را در افزایش ظرفیت نظام سیاسی برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع و تخصصی شدن ساختارها و نیز افزایش مشارکت سیاسی می‌داند. از نظر او، برای دستیابی به توسعه مطلوب، یک نظام سیاسی باید با موفقیت از مجموعه‌ای از بحران‌ها عبور کند، بدون آنکه تقدم و تأخیری در مقابله با این بحران‌ها وجود داشته باشد؛ زیرا جوامع گوناگون از نظر شرایط اجتماعی و سیاسی، در مواجهه با هر یک از این بحران‌ها، وضعیت متفاوتی دارند. پای سه ویژگی مهم برای توسعه سیاسی برمی‌شمارد: برابری، ظرفیت و تغییر تدریجی. احزاب سیاسی، سازمان‌هایی هستند که از طریق آن‌ها، افراد جامعه می‌توانند با مشارکت در فعالیت‌های سیاسی گوناگون، از جمله دفاع از ایده‌ها، مشاغل، موقعیت‌ها، افراد یا گروه‌های معین، در نظام سیاسی نقش ایفا کنند (راش، ۱۳۹۳: ۱۲۶). گسترش احزاب سیاسی همزمان با توسعه دموکراسی در جهان بوده است. وقوع انقلاب صنعتی و فروپاشی روابط تولیدی جامعه فئودالی، تحولات عمیق سیاسی را به وجود آورد. اندیشه "حاکمیت ملی" که بر پایه رای ملت استوار است و در قوانین کشورها گنجانده شده، دستاورد انقلاب‌های صنعتی و سیاسی است. نظریه حاکمیت ملی و مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود، انگیزه‌های مهمی برای پیدایش احزاب به شمار می‌رود و پیامد بلافصل آن، ایجاد دولت‌های مردم‌سالار و دموکراتیک در غرب بوده که از طریق انتخابات آزاد، در تغییر و اصلاح سیاسی و فرهنگی جامعه‌ها دخالت مستقیم داشته‌اند (نجات‌بخش، ۱۳۹۳: ۲۴). از این منظر، مفاهیمی چون جامعه مدنی، کثرت‌گرایی، مردم‌سالاری، گفتگو، تساهل، رقابت و مشارکت، تار و پود هنجارها و همبستگی جدید را شکل می‌دهند (بشیریه، ۱۳۸۷: ۹۹). احزاب از این دیدگاه، پاسخی به ضرورتی هستند که در فرآیند توسعه سیاسی ایجاد می‌شود؛ زیرا در یک دولت مدرن، قدرت تقسیم می‌گردد. به زعم هانتینگتون، توسعه سیاسی متضمن عقلانی شدن اقتدار، تنوع ساختارهای سیاسی و به ویژه گسترش مشارکت است و احزاب سیاسی برای سازماندهی و ساختاربخشی به مشارکت سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. بنابراین، همان‌طور که لاپالمبرا و واینر تصریح می‌کنند، می‌توان احزاب را هم نتیجه توسعه سیاسی دانست و هم عامل دستیابی به آن (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۷).

به عبارتی احزاب سیاسی دارای سه هدف اصلی هستند که البته هر سه به نوعی در طول هدف اساسی قدرت تعریف می شوند: سیاست، منصب، و رای، جستجوی منصب مستلزم کسب مزایای مناصب (منفعت مادی)، درحالی که به دنبال سیاست بودن به عنوان تمایل به تاثیرگذاری بر سیاست عمومی درک میشود (اثرگذاری). رأی عمدتاً وسیله ای برای رسیدن به این دو هدف است. درحالی که خودش نیز واجد برخی مطلوبیت های اجتماعی است. (آقاجانی و همکار، ۱۴۰۳: ۴۸)

یکی از ویژگی های مهم سیاست در ایران چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، ضعف احزاب سیاسی بوده است. در واقع، احزاب سیاسی در ایران آن گونه که باید شاید در عرصه سیاست فعال نبوده و کارکردها و نقش هایی که مختص آن هاست را به درستی ایفا ننموده اند.

ضعف احزاب سیاسی در ایران دلایل مختلفی داشته است. برخی از دلایل عبارت اند از:

ساختار قبیله ای و اجتماعی، ضعف نخبگان سیاسی، استبداد و ساختار مطلقه قدرت، نظام اقتصادی وابسته به نفت، اقتصاد بیمار دولتی، تعدد، تغییر و ناپایداری قوانین انتخاباتی، نداشتن رهبری منسجم، مبهم بودن اهداف و برنامه ها یا عدم برنامه های عملی مشخص، دقیق و عملیاتی، عدم استقلال مادی، تقلیدی بودن و نداشتن استقلال فکری برای حرکت و برنامه ریزی در جهت اصلاح شرایط و تحولات منطبق با اصول و ارزش های مورد قبول ملت مسلمان ایران در نظام جمهوری اسلامی، فعالیت مقطعی و محدود به دوران های برگزاری انتخابات، وجود پدیده انشعاب در احزاب و گروه ها، ایجاد ائتلاف های مقطعی برای کسب قدرت مقطعی و زودگذر (رفیعی و همکار، ۵۱، ۱۴۰۲).

ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران

حکومت ایران، بر اساس قانون اساسی، حکومتی دینی است که بر پایه های مذهبی، اعتقادی، احکام و دستورات اسلامی بنا شده است. در عین حال، این حکومت موجودیت و تداوم خود را به رأی و نظر مردم متکی دانسته و مقبولیت خود را از آنان کسب می کند. این رویکرد در اصل اول قانون اساسی به روشنی بیان شده است: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی قدر تقلید، آیت الله العظمی امام خمینی (ره)، در همه پرسی دهم و یازدهم

فروردین ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی، برابر با اول و دوم جمادی‌الاول سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری، با اکثریت ۹۸,۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت دادند.» (مهرپور، ۱۳۸۹: ۳۳)

توسعه سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، سرآغاز تحولی شگرف در سپهر روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران بود. هر انقلابی، ذاتاً، بسترساز ظهور ساختارها، نهادها، مفاهیم و نمادهای فرهنگی نوینی است. در این میان، توسعه سیاسی در منظومه فکری انقلاب اسلامی، جایگاهی بس والا و ممتاز دارد. توسعه سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، از ارکان استوار و مؤلفه‌های بنیادین این انقلاب به شمار می‌رود، توسعه سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری و دارای شاخص‌هایی مانند انتخابات، حزب، آزادی، اجماع و گردش‌نخبگان است (کدیور، ۱۳۸۶: ۲۸). انقلاب اسلامی، با تکیه بر آرمان‌ها و اهدافی ریشه‌دار در آموزه‌های دینی و ملی جامعه و با عنایت به این مهم که مردم‌سالاری دینی از دل دین مبین اسلام برآمده است، به پیروزی رسید. توسعه سیاسی، در چارچوب تحلیل‌های علمی و پژوهشی، هدفی بنیادین برای انقلاب اسلامی در راستای تکوین و تثبیت نظام مردم‌سالاری دینی بوده است. اصول و شاخص‌های توسعه سیاسی، در فرایند شکل‌گیری نظام مردم‌سالاری دینی، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کنند. نظام مردم‌سالاری دینی و مبانی نظری آن، گویای پیوند وثیق شاخص‌های توسعه سیاسی با ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر این نظام است و بر اساس چارچوب گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی، می‌توان نوعی نظام اجتماعی مردم‌سالارانه طراحی و ارائه کرد (ترابی، ۱۳۹۹: ۶۹). مردم‌سالاری دینی شیوه زندگی سیاسی مردمی است که نظام دینی را پذیرفته‌اند و آن نظام تضمین‌کننده آزادی، استقلال، رضایتمندی، مشارکت سیاسی و اجرایی، عدالت اجتماعی-سیاسی و در نهایت احساس حاکمیت روح شریعت در زندگی سیاسی مردم است، نظامی که در آن مردم و انتخابات تعیین‌کننده حاکمان، قوانین، تصمیم‌گیری‌ها، نظارت و حسابرسی است، به شرط آنکه منتخبان از همان آغاز از صالحان باشند و از چارچوب دین عدول نکنند (میراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳). ارتباط توسعه سیاسی با ساختار سیاسی جمهوری اسلامی یک ارتباط دوسویه است. از یک سو، ساختار سیاسی جمهوری اسلامی

می تواند بر توسعه سیاسی تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، توسعه سیاسی نیز می تواند بر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی تأثیر بگذارد. به عنوان مثال، اگر مشارکت سیاسی افزایش یابد و مردم مطالبات خود را به صورت سازمان یافته مطرح کنند، پاسخگویی ساختار سیاسی بیشتر می شود.

بررسی نظام پارلمانی و ریاستی

نظام ریاستی در اواخر قرن هجدهم و با تدوین قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷، در صحنه سیاسی جهان و در شرایطی کاملاً متفاوت با نظام پارلمانی ظهور یافت. در واقع، این نظام تحقق عملی اندیشه های علمای عصر روشنگری، به ویژه نظریه تفکیک قوا، بوده است. این نظریات در نظام سیاسی انگلستان به تدریج و بدون برنامه از پیش تعیین شده جای خود را باز کرده و آرام آرام، بدون آنکه اراده مشخصی در زمان معینی پشت سر آنها باشد، مورد عمل قرار گرفتند. اما در استقرار نظام ریاستی، نقش اراده بسیار پررنگ بوده و اوضاع و احوال کمتر در آن مؤثر واقع شد. این نظام، ویژگی خود را مدیون اندیشه حول محور "قدرت" است و قانون اساسی آمریکا خود شاهدهی بر این مدعاست که سه اصل اول خود را به "سه قوه" مورد نظر علمای عصر روشنگری اختصاص داده است (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

مهم ترین وجه مشخصه نظام ریاستی، برخورداری قوه مجریه از استقلال در برابر قوه مقننه است. به عبارت دیگر، نظریه تفکیک مطلق قوا که نظام ریاستی بر آن استوار است، ایجاب می کند که دو قوه مزبور از حیث سازمانی و از نظر کارکردی از یکدیگر منفصل و منفک بوده و حاکمیت ملی به طور برابر میان آن دو تقسیم گردد (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۳۱). در نظام ریاستی، سکان ریاست کشور و هیئت دولت، هر دو، در دست یک شخص واحد قرار دارد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۰: ۱۲۹). از منظر کارکردی، نظام ریاستی، عاری از سازوکارهایی است که امکان رفع و رجوع اختلافات احتمالی میان قوای حاکم را فراهم سازند (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۵).

نظام پارلمانی، قدیمی ترین نوع نظام های دموکراتیک و در عین حال گسترش یافته ترین آن هاست. در رژیم پارلمانی، تکیه اصطلاح بر واژه پارلمان تصادفی نیست؛ زیرا در این رژیم، حاکمیت از طریق انتخابات عمومی به نمایندگان مجلس یا مجالس مقننه سپرده می شود و از آن طریق در سایر تأسیسات جریان می یابد (منصور نژاد، ۱۳۸۷: ۲۳). دموکراسی پارلمانی یا حکومت نمایندگی، شکلی از حکومت

است که در آن شهروندان حق خویش را نه از طریق شخص خود، بلکه از طریق نمایندگانی که برگزیده‌اند و در قبال ایشان مسئول می‌باشند، اعمال می‌کنند (شهرام‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۴).

نظام پارلمانی، بر شالوده نظریه تفکیک نسبی یا همکاری قوا استوار گشته است. از این رو، اگرچه قوای مقننه و مجریه در ساختار سازمانی از یکدیگر تمایز یافته و هر یک، متصف به وظایف و اختیاراتی خاص‌اند، با این حال، در اعمال این صلاحیت‌ها، مشی تخصصی و انحصاری را وجهه همت خویش قرار نداده و چه بسا، گستره عملکرد آن‌ها با یکدیگر همپوشانی یابد. یعنی در حیظه وظایف هر یک از قوا، نقاط مشترکی وجود دارد که قانون کم‌وکیف دخالت هر یک از آن‌ها در این حوزه‌های مشترک را مشخص می‌کند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۶۸: ۵۵۴). تعادل نیرو میان دو قوه به یمن ابزار و وسایل عملکرد متقابل حاصل می‌شود. تعبیه این ابزارها به گونه‌ای است که در اغلب موارد، ضمن آنکه فعالیت‌های دو قوه را به هم ربط می‌دهد، هر کدام از آن‌ها را سد و مانع زیاده‌خواهی و گسترش طلبی قوه مقابل می‌سازد (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۶۸: ۵۵۴).

دولت بعد از استقرار، سیاست‌های خود را آزادانه معین می‌کند؛ اما برای به اجرا درآوردن آن‌ها و ادامه کار نیز باید از اعتماد پارلمان بهره‌مند باشد. به عبارت دیگر، دولت مسئول تمام اعمال خود در برابر نمایندگان ملت است و باید در برابر آن‌ها به‌طور مداوم پاسخگو باشد (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۷). در نظام‌های پارلمانی، در رأس قوه مجریه دو مقام متمایز واقع شده‌اند: یکی رئیس کشور که مقامی غیرمسئول است؛ دیگری رئیس دولت که همراه با تیم خود در برابر پارلمان مسئولیت دارد (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۰). در نظام پارلمانی دو رکنی، دولت در برابر پارلمان و رئیس مملکت پاسخگو است (اردان، ۱۳۸۹: ۳۷۷). به عبارت دیگر، هم پارلمان و هم رئیس مملکت می‌توانند در عملکرد دولت نظارت داشته و مسئولیت آن را مورد پرسش قرار دهند. نظام پارلمانی یک رکنی با تضعیف نقش رئیس مملکت و انتقال تدریجی قدرت به کابینه مشخص می‌شود. اگرچه ساختار نهادی نظام در ظاهر حفظ می‌شود، اما در عمل، کابینه به‌عنوان محور اصلی قدرت اجرایی عمل می‌کند (اردان، ۱۳۸۹: ۳۸۴). نظام نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی که گاهی نظام مختلط نیز نامیده می‌شود، از تلفیق عناصر نظام‌های پارلمانی و ریاستی به وجود آمده است (هریسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

پیشینه پژوهش

طبق یافته‌های پژوهش مزی و مایکل (۲۰۰۷) با عنوان روابط قوای مقننه و مجریه، نظام حزبی حاکم بر یک کشور، نقش مهمی در تعیین چگونگی تعامل قوای مقننه و مجریه در فرآیند قانون‌گذاری ایفا می‌کند. بررسی تعامل این دو قوه نباید محدود به نتایج آرای علنی پارلمان باشد، بلکه باید رایزنی‌ها و تعاملاتی که در مراحل مختلف قانون‌گذاری بین آن‌ها صورت می‌گیرد را نیز در نظر گرفت. در پاسخ به این پرسش که آیا قوه مجریه بر قوه مقننه برتری دارد یا خیر، باید بر تعاملات و خط‌مشی‌هایی که از سوی این دو نهاد ارائه می‌شود، تمرکز کرد. به نظر می‌رسد دیگر ضرورتی برای اثبات برتری یک شکل خاص از رابطه میان قوای مجریه و مقننه وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه میان قوای مقننه و مجریه در هر کشور، باید با توجه به توانایی نظام سیاسی آن در تدوین سیاست‌های عمومی حزب حاکم ارزیابی شود. طبق یافته‌های پژوهش بلامی و ریچارد (۲۰۰۵) با عنوان شکل سیاسی قانون اساسی، تفکیک قوا، حقوق فردی و دموکراسی نماینده سالار، تعریف دقیق و تعیین حدود حقوق فردی و نظام تفکیک قوا در قوانین اساسی و منشورهای حقوق، به هیچ وجه اجرای آن‌ها را تضمین نمی‌کند. ضمانت اجرایی واقعی، ریشه داشتن تکنیک‌های تفکیک قوا و حقوق فردی در زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز حساسیت و مشارکت توده مردم در اجرای ترتیبات اتخاذ شده است. هدف دستورگرایی، برانگیختن قانون‌گذاری بر اساس منافع عمومی و مسئولیت حکومت در برابر شهروندان و همچنین تشویق مردم به برعهده گرفتن تعهدات سنگین اجتماعی و مشارکت همه‌جانبه در امور عمومی است.

طبق یافته‌های پژوهش رسکتی و بابایی (۱۳۹۸) تحت عنوان الگوی رژیم پارلمانی در نظام مبتنی بر حاکمیت الهی و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران، همان‌طور که میتوان به رژیم کنونی، نظام ولایی از نوع نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی گفت، با ایجاد تغییراتی میتوان آن را بومی و تبدیل به «رژیم پارلمانی ولایی» کرد که سازگاری بیشتری با حاکمیت الهی داشته باشد. در واقع با تفکیک وظایف شرعی از سایر وظایف ولایت فقیه و بازتعریف این «سایر وظایف» در راستای قوه تعدیل‌کننده و نیز استفاده از نظام نسبتاً حزبی نه تماماً حزبی، میتوان شرایط را برای نظام پارلمانی فراهم کرد. طبق یافته‌های پژوهش پیرعلی (۱۳۹۶) تحت عنوان بررسی نقش ساختار ریاستی یا

پارلمانی در اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران، وجه ممیزه برجسته ساختار سیاسی نظام ریاستی و پارلمانی معطوف به چگونگی انتخاب رییس قوه اجراییه است. این تفاوت در آنجایی بروز و ظهور مییابد که قوه مجریه برآمده از رای غیر مستقیم مردم، خود را در برابر قوه مقننه پاسخگو بداند و قوه مقننه در برابر قوه مجریه برتری حقوقی یابد. بنابراین چارچوب نظام واره نهادهای حاکمیتی در ساختار نظام های سیاسی، از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که ترکیب بندی نظام سیاسی و همچنین اصل کارآمدی، حاکی از تقسیم مسئولیتها و تفکیک امور بهطور متناسب ارزیابی میشود. طبق یافته های پژوهش رزاقی و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان چالشهای استقرار نظام پارلمانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به هزینه های تغییر نظام سیاسی و لزوم اصلاحات چشمگیر تقنینی - ساختاری در فرض اهتمام به پیاده سازی نظام پارلمانی و همچنین، نحوه ساخت سیاسی در نظام حقوق عمومی ایران و یافته های ناهمگون کارآمدی پارلمانی یا ریاستی در ادبیات تطبیقی و نفی مطلوبیت ذاتی هر یک، در کنار تردید در تطابق پذیری نتایج مطالعات در سایر نظامها به لحاظ ماهیت علی حده و زیرساختهای مجزا، در مجموع میتوان مخاطراتی را در فرایند تغییر نظام سیاسی پیشروی نظام جمهوری اسلامی در سطوح مختلف مشروعیت، ثبات، وجهه دموکراتیک و کارایی در کمین این طرح کلان دانست.

طبق یافته های پژوهش شیاری و فرهنگی (۱۳۹۸) تحت عنوان بررسی موانع شکل گیری نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران، موانع شکل گیری، به نظام سیاسی ایران و تفاوت ماهیتی ایران که مبتنی بر آموزه های دینی است با نظامهای سیاسی غرب که مبتنی بر نگرش اومانیستی است بر میگردد و از طرف دیگر مشکل شکلی آن به مواردی چون فرهنگ سیاسی لازم، احزاب سیاسی قدرتمند، نظام انتخابات متناسب و موانع ساختاری در قانون اساسی بر میگردد فلذا امکان تحقق نظام پارلمانی در ایران وجود ندارد.

مرور پژوهشهای تجربی انجام شده بیانگر این واقعیت است ساختار ریاستی و پارلمانی دارای الزامات، موانع، محدودیتهای و مزایای مختلفی با توجه به فرهنگ سیاسی حاکم بر کشور میباشند. نوع نظام سیاسی برای هر کشوری به ویژه ایران که دارای ساختار سیاسی خاص خود است بسیار مهم و حائز اهمیت است. محققین از دیدگاههای گوناگون به این مساله مهم

پرداخته‌اند اما تاکنون مقایسه کارآمدی ساختار ریاستی و پارلمانی در توسعه سیاسی ایران بعد از انقلاب اسلامی انجام نشده است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به منظور دستیابی به هدف خود، از رویکردی ترکیبی (کمی و کیفی) بهره برده است. در بخش کیفی، برای تبیین پدیده‌ها، از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، اسناد، مشاهدات مشارکتی و مطالعات پیشین استفاده شده است. در بخش کمی، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، وضعیت موجود بررسی و از تحلیل توصیفی استفاده شده است. این روش به منظور پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق در قالب پرسشنامه‌ای شامل ۲۱ پرسش و گویه و سنجش آزمون‌ها و روابط بین متغیرهای تحقیق به کار رفته است. به منظور اطمینان از پایایی ابزار، پیش‌نویس اولیه پرسشنامه در میان گروهی ده نفره از پاسخ‌دهندگان مورد آزمون قرار گرفت و ایرادات احتمالی آن رفع گردید. برای مصاحبه نیز از متخصصان و صاحب‌نظران بهره گرفته شد. متخصصان، شامل اعضای هیئت علمی و اساتید رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، متفکران سیاسی و اجتماعی و صاحب‌نظران مسائل سیاسی - اجتماعی ایران هستند که بخش عمده‌ای از آن‌ها در دانشگاه‌ها و مناصب سیاسی مشغول به کارند.

پایایی معرفیها

تمامی سوالات بر روی متغیرهای خود دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ می باشند که نشان دهنده مناسب بودن سوالات به جهت پیش‌بینی متغیر مربوطه هستند.

جدول شماره ۱. بارهای عاملی

* ساختار پارلمانی	ساختار نیمه ریاستی	توسعه سیاسی	* ساختار ریاستی
t1	69/0		E1
t2	77/0		2E
t3	73/00		3E
t 4	75/0		E4
t 5	76/0		E5

دولت پژوهی ایران معاصر

ساختار ریاستی	*	توسعه سیاسی	ساختار نیمه ریاستی	ساختار پارلمانی	*
70/0	E6		81/0		F1
76/0	E7		73/0	77/0	F2
78/0	E8		70/0	78/0	F3
64/0	E9		85/0	81/0	F4
82/0	E10		82/0	64/0	F5
73/0	E11		77/0	68/0	F6
71/0	E12		80/0	77/0	F7
79/0	E13		81/0	69/0	F8
75/0	E14		79/0	81/0	F9
66/0	E15	62/0		75/0	C1
75/0	E16	60/0	84/0		C2
71/0	E17	78/0	87/0		C3
	E18	68/0	62/0		C4
	E19	72/0	62/0		C5
	E20	70/0	83/0		C6
	E21	77/0	87/0		C7
	E22	81/0	65/0		C8
	E23	69/0	87/0		C9
	E24	69/0	73/0		C10
	E25	71/0	71/0		C11
	E26	073/0	94/0		C12
		77/0	83/0		C13
		75/0	84/0		C14
		69/0	74/0		C15
		65/0	72/0		C16

پایایی شاخص

مبنای کلاسیک برای سنجش پایایی و سنجه ای مناسب برای ارزیابی پایداری درونی (سازگاری درونی) در نظر گرفته شده. پایداری درونی نشانگر همبستگی بین یک سازه و شاخصهای مربوط به آن است. نتایج بررسی مقادیر آلفای کرونباخ در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۲. مقادیر ضرایب پایایی سازگاری درونی

متغیرها	ضریب آلفا
ساختار ریاستی	93/0
ساختار پارلمانی	80/0
توسعه سیاسی	90/0
ساختار نیمه ریاستی	89/0

مقادیر آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها، بالای ۰/۷۰ است. بنابراین میتوان تحلیل نمود که ابزار اندازه گیری از پایایی و سازگاری درونی خوبی برخوردار است.

پایایی مرکب (CR): این معیار و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازهها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازههایش با یکدیگر به دست آمده بلکه مقدار CR یک سازه از یک نسبت حاصل میشود که در صورت این کسر، واریانس یک سازه با شاخصهایش و در مخرج کسر، واریانس سازه با شاخصهایش به اضافه مقدار خطای اندازه گیری می آید. مقدار بیشتر از ۰/۷ نشان از پایداری و مقدار کمتر از ۰/۶ عدم وجود پایایی را نشان میدهد. تمامی مقادیر بالای ۰/۷ است که نشان میدهد ابزار پرسشنامه از پایایی ترکیبی خوبی بهره گرفته است.

جدول شماره ۳. مقادیر ضرایب پایایی مرکب

متغیرها	ضریب پایایی مرکب
ساختار ریاستی	94/0
ساختار پارلمانی	86/0
توسعه سیاسی	92/0
ساختار نیمه ریاستی	91/0

روایی (اعتبار) ابزار اندازه گیری

بررسی روایی همگرا: همبستگی دو ابزاری که مفهوم را اندازه گیری میکنند بالا است. به جهت بررسی روایی، همگرا فورنل و لارکر (۱۹۸۱) متوسط واریانس استخراج شده AVE را به عنوان معیاری برای اعتبار همگرا ذکر میکنند. حداقل مقدار AVE برابر با ۰/۵ بیانگر اعتبار همگرای کافی است، به این معنی که یک متغیر مکنون میتواند به طور میانگین بیش از نیمی از پراکندگی معرفهایش را تبیین کند. همانطور که در جدول مشاهده میشود کلیه مقادیر AVE برای تمام متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰/۵ میباشد. با توجه به مقادیر، مدل از روایی همگرای مطلوبی بهره‌مند است.

جدول شماره ۴. مقادیر متوسط واریانس استخراج شده AVE

متغیرها	AVE
ساختار ریاستی	507/0
ساختار پارلمانی	555/0
توسعه سیاسی	609/0
ساختار نیمه ریاستی	505/0

بررسی روایی واگرا: منظور از روایی واگرا این است شاخصهای یا معرفهای مربوط به یک متغیر فقط همان متغیر را بسنجد. در تحلیل PLS بر اساس نظر فورنل و لارکر (۱۹۸۱) جذر AVE یک متغیر باید از میزان همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای تحقیق بزرگتر باشد. در این مرحله ابتدا جذر مقادیر AVE را محاسبه و سپس مقادیر به دست آمده بر روی قطر ماتریس همبستگی متغیر مکنون ۲ جایگزین گردید.

جدول شماره ۵. میزان همبستگی بین متغیرها و جذر متوسط واریانس استخراج شده

ساختار	ساختار ریاستی	ساختار پارلمانی	توسعه سیاسی	ساختار نیمه ریاستی
ساختار ریاستی	1			
ساختار پارلمانی	89/0	1		
توسعه سیاسی	83/0	95/0	1	
ساختار نیمه ریاستی	87/0	93/0	93/0	1

در جدول همبستگی مقادیر جذر AVE قرار گرفته بر روی قطر ماتریس همبستگی از مقادیر همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها بزرگتر می‌باشد که نشان دهنده مناسب بودن روایی واگرایی مدل اندازه گیری است.

یافته‌های پژوهش

بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

در انتخاب یک آزمون باید مشخص شود که باید از آزمونهای پارامتریک یا آزمونهای ناپارامتریک استفاده گردد. آزمون کولموگروف اسمیرنوف نرمال بودن توزیع دادهها را ارائه میدهد. یعنی توزیع یک صفت در یک نمونه را با توزیعی که برای جامعه مفروض است مقایسه میکند. اگر دادهها دارای توزیع نرمال باشند، امکان استفاده از آزمون پارامتریک وجود دارد و در غیر این صورت باید از آزمون ناپارامتریک استفاده شود.

جدول شماره ۶. آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیرها	آماره آزمون	سطح معنی داری
ساختار ریاستی	069/0	200/0
ساختار پارلمانی	097/0	007/0
توسعه سیاسی	099/0	006/0
ساختار نیمه پارلمانی	060/0	200/0

با توجه به جدول مقدار سطح معنی داری به دست آمده برای متغیرهای ساختار ریاستی و ساختار پارلمانی بیش از ۰/۰۵ و برای ساختار پارلمانی و توسعه سیاسی کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه استفاده از آزمون ناپارامتریک مجاز خواهد بود.

آزمون فرضیه‌ها

ساختار ریاستی با افزایش ثبات دولت و امکان اتخاذ سیاست مستمر و افزایش اختیارات رئیس جمهوری، مسئولیت کمتر در برابر قوه مقننه و ساختار پارلمانی نیز با توجه به داشتن مزایایی از جمله افزایش هماهنگی قوای مجریه و مقننه و جلوگیری از تکروری قوه مجریه و نظارت بیشتر بر

عملکرد قوه مجریه، افزایش پاسخگویی و افزایش ابتکار عمل در قانون گذاری، تلاش میکنند در تحقق توسعه سیاسی نقش آفرین باشند.

جدول شماره ۷. نتایج تحلیل آزمون فرضیه اول پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب مسیر استاندارد	T-VALUE	فرضیه پژوهش		
			ساختار ریاستی	ساختار پارلمانی	H1
تأیید	13/0	36/2			

با توجه به آزمون فرضیه میزان آماره تی دو متغیر توسعه سیاسی خارج بازه $(1/96 \& -1/96)$ با مقدار $2/36$ است و لذا فرضیه تایید میشود. میزان این تاثیر نیز برابر با $0/13$ است. مجموع نتایج نشان میدهد که آماره Z برای نقش میانجی ساختار نیمه ریاستی در تاثیر گذاری ساختار پارلمانی بر ساختار ریاستی معنیدار است، چون خارج از بازه $(1/96 \& -1/96)$ با مقدار $3/50$ است و لذا میانجیگری ساختار نیمه ریاستی پذیرفته میشود.

جدول شماره ۸. نتایج تحلیل آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب مسیر استاندارد	T-VALUE	فرضیه پژوهش		
			ساختار ریاستی	ساختار پارلمانی	H1
تأیید	89/0	46/40			

با توجه به آزمون فرضیه میزان آماره تی دو متغیر رهبری تحول گرا و وابستگی شغلی کارکنان خارج بازه $(1/96 \& -1/96)$ با مقدار $40/46$ است و لذا فرضیه تایید میشود. میزان این تاثیر نیز برابر با $0/89$ است.

جدول شماره ۹. نتایج تحلیل آزمون فرضیه سوم پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب مسیر استاندارد	T-VALUE	فرضیه پژوهش		
			ساختار ریاستی	ساختار پارلمانی	H1
تأیید	20/0	93/2			

با توجه به آزمون، فرضیه تایید میشود. میزان این تاثیر نیز برابر با ۰/۲۰ است. ساختار نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی با برقراری موازنه میان قوای مقننه و مجریه و جلوگیری از خودسری مقامات سیاسی و به انحصار در آوردن قدرت توسط آنان، تفکیک قوا را به رسمیت شناخته، همچنین با دارا بودن قوه مجریه دو رکنی شامل یک رئیس کشور و یک رئیس قوه مجریه که هر دو به طور مستقیم و غیرمستقیم با آرای همگانی و مشارکت مردم انتخاب میشوند با وجوه اصلاحاتی مانند طرز گزینش مقامات حاکمیتی با مسئولیت آنها و تقسیم متناسب صلاحیت با مسئولیت هر قوه در تحقق توسعه سیاسی و رفع مشکلات مؤثر واقع میشود.

جدول شماره ۱۰. نتایج تحلیل آزمون فرضیه چهارم پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب مسیر استاندارد	T-VALUE	فرضیه پژوهش		
تأیید	73/0	75/7	ساختار ریاستی	←	ساختار پارلمانی
					H1

با توجه به آزمون فرضیه (۱/۹۶ & -۱/۹۶) و مقدار ۷/۷۵ فرضیه تایید میشود. میزان این تاثیر نیز برابر با ۰/۷۳ است.

$$Z - \text{Value} = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

در این رابطه: a ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی؛ b ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته؛ Sa: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی؛ Sb: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته

جدول شماره ۱۱. مقادیر مربوط به تست سوپل فرضیه پژوهش

پارامترها	مقادیر
ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی	20/0
ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته	36/0
خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی	02/0
خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته	10/0

بررسی ضریب تعیین

ضریب تعیین معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده و نشان از تاثیری دارد که یک متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته میگذارد، میانگین ۲R برای متغیرهای وابسته تحقیق ۰/۷۸ درصد می باشد.

جدول شماره ۱۲. مقادیر ضریب تعیین ۲R

ضریب تعیین	ساختار
92/0	ساختار ریاستی
54/0	ساختار پارلمانی
88/0	توسعه سیاسی
79/0	ساختار نیمه ریاستی
86/0	میانگین

نتایج توصیفی

جدول شماره ۱۳. توصیف گویه ها

فراوانی اثر ساختار روی توسعه سیاسی					گویه ها	
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
0	0	0	2	42	ساختار مبتنی بر تفکیک قوا و رعایت سلسله مراتب	1
4	2	2	8	22	انتخاب رئیس دولت توسط مردم	2
5	4	8	2	20	انتخاب رئیس دولت توسط مجلس	3
0	0	0	0	44	وجود نظارت و زعامت عالی و ولی فقیه	4
0	0	0	2	42	ساختار ریاستی اقتدار آفرین است	5
0	0	0	2	42	ساختار پارلمانی اقتدار آفرین است	6
4	5	12	5	18	حفظ نهادهای انقلابی در ساختار	7
0	0	6	20	18	فصل الخطابی مجلس و شورای نگهبان	8
0	0	0	2	42	مشارکت همه سلابق در ساختار سیاسی	9
5	4	8	2	20	تغییر ساختار کنونی به پارلمانی	10

در پرسشنامه مورد بحث، نظر خبرگان پیرامون ابعاد مختلف ساختار سیاسی و تأثیر آن بر اقتدار نظام مورد سنجش قرار گرفته است. در گویه مربوط به ساختار مبتنی بر تفکیک قوا و رعایت سلسله مراتب، تمامی خبرگان (۱۰۰ درصد) گزینه‌های "زیاد" و "خیلی زیاد" را انتخاب کرده‌اند که نشان‌دهنده تأیید حداکثری بر ضرورت تفکیک وظایف و مسئولیت‌های قوا و همچنین اهمیت رعایت سلسله مراتب در ساختار سیاسی است. این امر به عنوان یک اصل بدیهی در راستای اقتدار نظام تلقی می‌شود. در مورد انتخاب رئیس دولت توسط مردم، ۶۸ درصد از خبرگان گزینه‌های "زیاد" و "خیلی زیاد" را انتخاب کرده‌اند، در حالی که ۴ درصد گزینه "متوسط" و ۲۸ درصد گزینه‌های "کم"، "خیلی کم" و "بدون تأثیر" را برگزیده‌اند. این نشان می‌دهد که اکثریت خبرگان، انتخاب رئیس دولت توسط مردم را از محسنات ساختار کنونی و موجب اقتدار می‌دانند، اما اقلیتی نیز با این رویه مخالف هستند. نکته قابل توجه این است که در گویه مربوط به انتخاب رئیس دولت توسط مجلس نیز پاسخ‌ها مشابه گزینه قبلی است. این همسانی نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان، انتخاب رئیس دولت توسط مجلس و مردم تقریباً به یک اندازه می‌تواند موجب اقتدار نظام شوند. در گویه مربوط به وجود نظارت و زعامت عالی‌ه ولی فقیه، تمامی شرکت‌کنندگان (۱۰۰ درصد) این امر را در ساختار حکومت ضروری و موجب اقتدار نظام ارزیابی کرده‌اند و گزینه "خیلی زیاد" را برگزیده‌اند. این نشان‌دهنده اتفاق نظر خبرگان بر اهمیت نقش ولایت فقیه در اقتدار نظام است. پاسخ خبرگان به دو گویه "ساختار ریاستی اقتدارآفرین" و "ساختار پارلمانی اقتدارآفرین" نیز قابل تأمل است. انتخاب گزینه‌های "زیاد" و "خیلی زیاد" توسط ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان در هر دو گویه، حاکی از آن است که از نظر خبرگان، هر دو رویکرد ریاستی و پارلمانی به یک اندازه می‌توانند موجب اقتدار نظام شوند و به عبارتی، این دو ساختار علی‌السویه هستند. در مورد حفظ نهادهای انقلابی در ساختار سیاسی، ۴۰ درصد گزینه "خیلی زیاد"، حدود ۱۱ درصد گزینه "زیاد" و ۲۷ درصد گزینه "متوسط" را انتخاب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که اکثریت خبرگان، حفظ نهادهای انقلابی در ساختار سیاسی نظام را موجب اقتدار می‌دانند، در حالی که حدود ۲۰ درصد این سیاست ساختاری را کم‌اهمیت ارزیابی کرده‌اند. در گویه مربوط به فصل الخطابی مجلس و شورای نگهبان، ۸۶ درصد گزینه‌های "زیاد" و "خیلی زیاد" و مابقی گزینه "متوسط" را انتخاب کرده‌اند که نشان‌دهنده اتفاق نظر خبرگان در این

مورد است. در گویه مشارکت همه سلايق در ساختار سياسي نيز ۱۰۰ درصد کارشناسان بر آن صحنه گذاشته‌اند. در مورد تغيير ساختار کنونی به پارلمانی، پاسخ‌ها متفاوت است. ۵۰ درصد گزینه "زیاد" و "خیلی زیاد" و ۵۰ درصد ديگر ساير گزینه‌ها را انتخاب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالعات انجام شده، استقرار نظام پارلمانی در ایران مسئله‌ای پیچیده و چندوجهی است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که نظام حزبی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعامل قوای مقننه و مجریه دارد و بررسی این تعاملات باید فراتر از نتایج رسمی مجلس باشد. تضمین اجرای تفکیک قوا و حقوق فردی تنها تعریف دقیق آن‌ها در قانون اساسی کافی نیست، بلکه نیازمند ریشه‌دار بودن این مفاهیم در فرهنگ و مشارکت فعال مردم است و می‌توان با ایجاد تغییراتی، یک رژیم پارلمانی ولایی متناسب با حاکمیت الهی در ایران ایجاد کرد که نیازمند تفکیک وظایف و استفاده از نظام حزبی است. از سوی دیگر، چالش‌های متعددی در مسیر استقرار نظام پارلمانی در ایران وجود دارد. این چالش‌ها شامل هزینه‌های بالای تغییر نظام سیاسی، نیاز به اصلاحات گسترده قانونی و ساختاری، و نگرانی‌ها در مورد مشروعیت، ثبات و کارآمدی نظام است. تفاوت‌های ماهوی بین نظام سیاسی ایران (مبتنی بر آموزه‌های دینی) و نظام‌های غربی (مبتنی بر اومانیزم)، همچنین ضعف فرهنگ سیاسی، نبود احزاب قوی و مشکلات ساختاری در قانون اساسی از جمله موانع اصلی هستند. در نهایت، می‌توان گفت که استقرار نظام پارلمانی در ایران نیازمند بررسی دقیق مزایا و معایب، انجام اصلاحات لازم و توجه به شرایط خاص کشور است. موفقیت در این زمینه مستلزم تقویت نظام حزبی، بهبود تعامل قوا، مشارکت فعال مردم و بازتعریف نقش نهادهای قدرت خواهد بود. نتایج پژوهش نیز نشان می‌دهد که آماره Z برای نقش میانجی ساختار نیمه‌ریاستی در تأثیرگذاری ساختار پارلمانی بر ساختار ریاستی معنادار است؛ بنابراین، میانجی‌گری ساختار نیمه‌ریاستی پذیرفته می‌شود. همچنین، با توجه به آزمون فرضیه، میزان آماره T بین دو متغیر رهبری تحول‌گرا و وابستگی شغلی کارکنان، فرضیه را تأیید می‌کند. ساختار سیاسی موجود در ایران (نیمه‌ریاستی-نیمه پارلمانی) در برقراری شاخص‌های توسعه سیاسی (ثبات و تعادل سیاسی، مشارکت مردم و تفکیک ساختاری و حاکمیت قانون) با چالش‌هایی مواجه است. میزان آماره T

بین دو متغیر رهبری تحول‌گرا و وابستگی شغلی کارکنان، فرضیه را تأیید می‌کند. حاکمیت هر نظام سیاسی برای اعمال اقتدار خود باید در بنیان جامعه نهادینه شود. به همین منظور و برای نهادینه‌سازی، ساختار مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، اگر ساختار سیاسی را یکی از مهم‌ترین ارکان زیربنای اقتدار ارزیابی کنیم، دور از واقعیت نیست. نظام سیاسی و اقتدار آن، معلول تنظیم و تلفیق ساختار نهادهاست که با رویکردی موزون در ارتباط با یکدیگر در نظام سیاسی اعمال و اجرا می‌گردند. در این میان، اصل تفکیک و تعادل قوا و چگونگی کارکردشان در هر نظام سیاسی، مبتنی بر ساختار حاکم بر آن است. در همین راستا، شقوق مختلف توزیع قدرت در ساختار حاکمیت سیاسی اهمیت یافته و نظام‌های ریاستی یا پارلمانی نقش پررنگی می‌یابند. در حال حاضر، فضای سیاسی کشور از آمادگی لازم برخوردار نیست تا به سوی یک نظام کاملاً پارلمانی حرکت کند؛ زیرا نظام پارلمانی نیازمند مشارکت بالای سیاسی و فعالیت واقعی احزاب گوناگونی است که هر کدام یک طیف سیاسی و اجتماعی جامعه را نمایندگی کنند. از معایب مترتب بر نظام ریاستی، این است که معمولاً با قدرت یافتن یک نفر در قامت رئیس‌جمهور، یکه‌تازی‌ها و تک‌روی‌ها افزایش می‌یابد و بعضاً برخی ارکان اجرایی و تقنینی یکدیگر را به چالش می‌کشند. در این نوع نظام، رئیس‌جمهور هم ریاست کشور و هم ریاست دولت را به طور هم‌زمان داراست و از ابتکار عمل گسترده‌ای برخوردار است و این آسیب‌پذیری نظام را مضاعف می‌سازد. اما در نظام نیمه‌ریاستی (ریاستی-پارلمانی)، رئیس‌جمهور با اختیاراتی فراتر از ریاست کشور در نظام پارلمانی، از طریق آرای عمومی به طور مستقیم انتخاب می‌شود و علی‌رغم اینکه اداره‌ی اجرایی کشور در اختیار وزرا است، آنان در مقابل مجلس مسئول و قابل استیضاح هستند. در این نظام که متشکل از قوه‌ی مجریه‌ی دورکنی است، رئیس‌جمهور منتخب مردم، در جایگاه ریاست کشور، دارای اختیار در تعیین دولت و اداره‌ی امور کشور است و هیات وزیران منصوب و مورد تأیید ایشان، زیر نظر وی و البته هماهنگ و تحت نظارت مجلس فعالیت می‌کنند. ضمناً با وجود رئیس‌دولت منتخب از سوی مردم، در صورت رد دولت از سوی مجلس، با تشکیل دولت جدید، از بی‌ثباتی و خلل در امور جاری کشور جلوگیری می‌شود و با مسئولیت دولت در مقابل مجلس، از استبداد رأی ناشی از قدرت فردی رئیس‌جمهور که در نظام‌های ریاستی تجربه شده است، اجتناب می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر، توازن قوا در نظام نیمه‌ریاستی برقرار

است. با این شرایط، پیشنهاد می‌شود با رفع برخی نارسایی‌های کنونی ساختار نظام و انجام بعضی اصلاحات شکلی و ماهوی، از تغییر ساختار نظام به ریاستی یا پارلمانی محض اجتناب شود؛ چه این که به نظر می‌رسد چالش اساسی پیش روی کشور و خودنمایی ناکارآمدی در بیشتر دستگاه‌های کنونی، متوجه ساختار نیست و چه بسا با تغییر ساختار، معضلات و مشکلات تشدید شوند. لذا باید تداوم و استمرار اقتدار نظام را در تقویت کارآمدی و اصلاح برخی فرآیندها و به عبارت بهتر، اصلاح بینش و تفکر بروکراسی حاکم معطوف کرد.

فهرست منابع

- Ayoubi, Hojjatollah (2003). The Emergence and Persistence of Political Parties in the West. Tehran: Soroush (Publications of Seda va Sima). [In Persian].
- Badie, Bertrand (1997), The Development of European Political Systems, Ahmad Naghibzadeh, Political-Economic Information, No111-112, December and January, pp. 75-66. [In Persian].
- Bashiriyeh, Hossein (2008). Transition to Democracy. Tehran: Negah-e Moaser. [In Persian].
- Erdan, Philip (2011), Political Institutions and Fundamental Rights; Translated by Rashid Ansarian; 16 th edition; Ahvaz, Ahvaz University Press.[In Persian].
- Ghazi Shariat Panahi, Abolfazl (1990), The Fundamentals of Basic Law, 33 rd edition; Tehran: Mizan Legal Foundation Publications. [In Persian].
- Hosseini, Ali and Ebrahimi, Ali (2014), Why the oscillation between semi-presidential, semi-parliamentary and parliamentary models in the Islamic Republic of Iran, Islamic Politics Quarterly, No. 3, pp. 39-64.[In Persian] (doi: 20.1001.1.23455705.1392.1.3.2.7).
- Hashemi, Seyyed Mohammad (2008), Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran (Sovereignty and Political Institutions), 19 th edition, Tehran, Mizan Publications. [In Persian].
- Hashemi, Seyyed Mohammad (1994), Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, Sovereignty and Political Institutions, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Harisinejad, Kamaluddin (2009), Comparative Fundamental Rights (Parliamentary, Presidential, Mixed and Authoritarian Systems), Tabriz: Aydin Publications. [In Persian].
- Hashemi, Seyyed Mohammad (2009), Iran's Basic Rights, Volume 2, Tehran: Mizan Publishing. [In Persian].
- Nejatbakhsh, Nasrollah (2014). Contemporary Iranian Political Parties: Challenges and Achievements. Tehran: Fanoos. [In Persian].
- Naghibzadeh, Ahmad (1999). Political Party and its Function in Today's Societies. Tehran: Nashr-e Mizan. [In Persian].
- Pye, Lucien W. and Leonard Binder and James S. Coleman and Joseph Lapalombara and Sidney Verba and Myron Weiner (2002), Crises and Successions in Political Development, translated by Gholamreza Khajeh Sarwari, Strategic Studies Publication. [In Persian].

- Pirali, Mohammad (2018), Investigating the Role of Presidential or Parliamentary Structure in the Authority of the J.A.A. System, Strategic National Defense Management Studies, Volume 1, Issue 4, pp. 154-133. [In Persian].
- Razaghi, Mohammad Reza and Habibnejad, Seyed Ahmad and Taheri, Mohsen (2021), Challenges of Establishing a Parliamentary System in the Legal System of the Islamic Republic of Iran, Strategic Studies, Volume 23, Number 1, Serial 87, pp. 33-7.. [In Persian] (doi: 20.1001.1.17350727.1399.23.87.1.8).
- Resekati, Mohammad Mehdi and Babaei, Mehrali (2020), The Model of Parliamentary Regime in a System Based on Divine Sovereignty and Velayat-e-Faqih in the Islamic Republic of Iran, Public Law Studies, Volume 49, Issue 2, pp. 571-553. [In Persian] (doi: 2018.255280.1710).
- Rush, Michael (2014). Society and Politics: An Introduction to Political Sociology. Tehran: Center for Research and Development of Human Sciences. [In Persian].
- Shahram Nia, Amir Masoud (2001), Parliamentarism in Iran, Tehran: Islamic Revolution Documents Center, Detailed record of the negotiations of the Constitutional Revision Council of the Islamic Republic of Iran, Volume 1, Tehran [In Persian].
- Shafieifar, Mohammad (2016), The Trend of Political Development in the Islamic Republic of Iran, Politics Journal - Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 45, Issue 1, pp. 103-123. [In Persian] (doi: 2015.54426).
- Shiari, Ali and Farhangi, Mohammad Hossein (2020), Investigating the Obstacles to the Formation of a Parliamentary System in the Islamic Republic of Iran, Islamic Revolution Research, Volume 8, Issue 29, pp. 69-57. [In Persian] (doi: 20.1001.1.23222573.1398.8.29.3.5).
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad (2018), Theory of Separation of Powers and Organization of Political Power in the State, Quarterly Journal of Government Studies, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Year 3, Issue 21, Winter, pp. 35-1. [In Persian] (doi: 2018.19766.268).
- Tabatabaei Motmani, Manouchehr (2002), Basic Rights, Tehran, Mizan. [In Persian].
- Saeed Jahangiri , Fazel Mohammadi(2022), Explain the Role of Political Stability in the Theory of Good Governance, journalState Studies of Contemporary Iran, volume7, Issue 4, winter, pp. 142-123 [In Persian].(doi:20, 1001,1,27831914,1400.7.4.6.8)
- Mostafi Aqajani Fekejvar ,Naser jamal Zadeh(2025), from the The model of the political party in Islamic Governance, perspective of Ayatollah Khamenei, journal State studies ofContemporary, volume9,issue4, winter, pp. 77-43[in Persian.] (doi:20.1001.1.27831914.1403.10.4.2.5)
- Abouzar Rafiei Ghahsare, kolsom Amini(2024), Continuation of the plurality of political forces and factors affecting it in Iran after the Islamic Revolution, journal state Studies of Contemporary Iran, volume 9,issue4, winter, pp. 70-39[in Persian]. (doi:20.1001.1.27831914.1402.9.4.2.8)

